

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

هیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بسگی ندارد

کوشش نامتعملی

سال اول - شماره ۱۴ شنبه ۷ خرداد ماه ۱۳۲۴ تک شماره ۴ ریال

موضوع استقلال کردستان ارکب جاسر چشمه میگیرد؟

ستاد ارتش - شهر بانی کل

از سنج اطلاع میدهند در این موقع که موضوع استقلال کردستان مورد بحث قرار است در سنج از طرف لیکرو شهر بانی مامورینی در شهر بر آنگذاریده مرجا دوره ۳ ماه صحت بیمه های خوانته بنام استقلال کردستان برای آنها پوش دست کند. مابین موضوع را تا ارتش و شهر بانی کل تکمیل میهم که دستور دهنده مامورین شان در حدود صورت قانون و شرایط خود را انجام دهد تا رسول اطلاع شناری سین تبرک اکتفا میمانیم

نباید. شریف باشا پس از دریافت ایشار نامه نمایندگی خود اعلامیه ای صادر و در آن خاطر نشان کرد که با وجود سوابق چندین ساله خدمت بدولت عثمانی ناچار است در این موقع که از طرف ملیون کردها و روسی باو رجوع شده اکتفا نماید در آن اقدام نماید و بدین ترتیب شریف باشا در کفرستان سور اقدامات خود را آغاز نمود.

در ۲۲ مارس ۱۹۱۸ و اول مارس ۱۹۲۰ دو مجمع عمومی مباح شریف باشا تاجانی اگر در امری گزارش های با اطلاع ضابطگان مال و باید و آنچه مورد درخواستهای اکراد را ترتیب از داده طبق نوادی چند متر شده که کردستانی مشتمل ، نامحدودی که از شمال به ارض عثمانی یا در باجان ایران، از جنوب ایران و سوریه و با از غرب رود فرات محدود باشد تشکیل شود و نیز کردهای ولایت موصل در سوریه، تیکه بخوانند مترانه ضمیمه این قسمت کردند.

از خاک ترکیه باو اکتفا نمایند و بدین ترتیب با اکتفا مذکور فوای مسلح آن در مملکت خود را نجات داده جمهوری ترکیه را اعلام نمود

متن آن معاهده ایران (بین ترکیه و مغلوبین) متن شد و ولی در این معاهده اسمی از کردستان را نبرد بود

معنی کمال باشا ذاتی نیز از مجلس کبیر ترکیه به گذراند که بموجب آن در داخل حدود ترکیه غیر از تراباطیه ای دیگری وجود ندارد

این دو موضوع یعنی معاهده لوزان و قانون چه به احکامات اکراد را پیش از پیش تبریک نودده شو، شهای خوب، وجود آورد کردها میبیتی بنام « جمعیت کردستان استقلال » تحت ریاست **خالد بیگ** چیری که از اسرار ارتش ترکیه بود شایر را داشته تشکیل گردید.

در **دیت الشباب** با اطلاع فیت مرکزی جمعیت کردستان استقلال به همه ای از اسرار کرد شروع نمود ولی با معامد موافقت مواجه شده با نتیجه صالح بیگ که وعده ای از فرمایش دستگیر تونف شد.

چند مابده صالح **سید** یکی از متمذبن اکراد که در حدود پیش از سی هزار مرید داشت در هت، امسک به دارا هینی در میان مریدان خود بود بطت پیش آید غیر منتظره ای که منجر به زد و خورد بین ارتش امنیه و مریدان او شد ناچار بنام بر علیه حکومت مرکزی گشت.

بقیه در صفحه ۸

قبل از شروع بدرگه منشاء استقلال کردستان لازم میدانیم از جاه آهینی که هنگام بحث در این موضوع ناچاریم به خلاف معامد کشور، بلا تیرمه برادران کرد خود را بر چه در موده فرات خوانده از روی عقل و اوصاف منالای درج کرده اند بنام جلوه کرد تکریم و صحبت لازم است با آنها تیکه روزنامه را آت اجرائی امراض شیمی خود قرار داده بدین توجه به نجات ملت و مملکت مشالیز شده ای در این باب نگاشته قب برادران کرد خود را جریعه دار نموده اند نهایت تنفر و انزجار از اکراد ایران را اعلام مایم.

آنها تیکه معتمدان خوب میدانند که موضوع استقلال کرد از بین زمانی مورد بحث و گفتگو، زراع خوب زبیری مورد ملاحظه را با بنیوهیم از ایران شروع این موضوع را بیان کنیم بلکه بهتری روشن شویم از اوضاع عامه ارتش نودین ملامت آن ضلعه ای از فرانس مطالب را در سلاطین امیره که اقدامات کنونی اکراد را دیدار آن میتوان دانست ذکر خواهیم نمود.

بدان جنگ چهره الملبان که گفته ۱۹۱۴ ۱۹۱۸ هنگامیکه جنگ با بان با نده موضوع الفت ها بیان آمدند و بیان حکومت عثمانی متزلزل گشته بود اکراد مشاخی بهای با نده از مرقیت استفاده نمودند و در اواسط حکومت عثمانی خارج نوبت روشن نگران اکراد عثمانی، با نازه و موافقت دولت جیبیتی بنام « جمعیت کردستان قحالی » تشکیل دادند.

شروع باشا و اکراد، از وزاری سلیمان عبدالحمید بود و در این مریع دربارین انامت داشت چون املا کرد و مورد انتقاد صحبت بود شایندگی انتصاب نموده که در کفر اس سور از خون اکراد دفاع

داستان تاریخی هم وقایع آراءات را از هفته آینده در نامه کوهستان بخوانید

دزمجلس شورای ملی

هاستوارو، نه در شاهه دول تیل پش کرده بودیم بکنه دیگر هم گشت و چلتان نمده مجلس به بحث و تکررات مختلف صرف شد.

هنه از نماینده گان بستان موافق خرابی های اوضاع سالی را یادآوری نموده شرط موافقت خود را با دولت اصلاح بازه ای از امروزه از طرف دولت بیان نمودند.

هنه ای که مخالف بود به یادگر شهای ای اوضاع خراب و اقدامات بی رویه ای که از طرف مأمورین دولت می شود و بیان ابرادانی را که بپوشد دولت های گذشته دانشنه معاملات خود را اعلام نمودند.

آقای هم بخش بنی تعلق خود عنوان مخالف راجع بر دستگی های که در ارتش حکم ریاست ایطور گشته

امروزه از ارتش ما دوستگی عجیبی برای تفسیر ارتش وجود دارد اینو دستگی، دوستگی ارفع و وزم آراء و افکار که هر وقت کسی روی کار بیاید معالین خود را تفسیر می کند بهت های حساس را برآیند میدهد و سالی نیم ملون تومان صرف این کار میشود پس از آن در خصوص وضع بدامان تحصیل کرده شرحی اظهار داشته گشته الان وزارت جنگ از کارهای ستاد ارتش بی بیست

اروز روز ریاست ایطول آقای زند است که قانون منع ورود افسران بحرب و آواز بود در صورتیکه رئیس ستاد ارتش سرلشکر ارفع حزب نهضت ملی را دوست میبندد و تشکیلات حزبی در ارتش میدهد اینها در نتیجه رفیق بازشان سازمان ایجاد میکنند.

مقاله ای که تحت عنوان دامنسران بخواند در شماره گذشته چاپ شده بود بقلم آقای هوشنگ سهرابی نگارش یافته بود و بدلت انشایه چاپخانه نام ایشان در بالای مقاله نوشته شده بود در این انشایه بپوش مطبوعه

ملا چند بار سر تپ میر جلای را بیکار کرده اند و باز سرکار آورده اند آخر اگر این مرد میتوانه کار بکنه چرا بیکار میشود و اگر نتواند باز چرا می آوردیش موضوع دیگر انضباط و تفرغ است که فقط محصوران افسران جزا است افسران ارشد هرگز بخوانه میکنند مینظور

در موضوع تفرغ هندهای معروم شده اند: آقای معیط باستانده از ماهه ۱۰

آیین نامه خواست از حزب نهضت ملی دفاع کند ولی مجلس اجازه نداده نایب رئیس مجلس: کرداد در صورتی بشنا نوهن شده میشود صحبت کند در این نوع همیه نماینده گان و اعتراض آنها چند دیده ای مجلس: اینمتنجه نبود آقای فرامرغامتیان فریاد کردند: در تیل سرلشکر ارفع است و میخواهد از آزاداع کنه بالاخره مجلس اجازه نداد که ایشان صحبت کند

این جریان نشان داد که نماینده گان مجلس با تکرار همیه ای کرداد بدیده احترام نگریسته و ثابت نموده اگر مومنی بر ونده انتصاب آقای معیط در مجلس مطرح شود روی خوشیشان نخواهند داد

خبر های کشور

شیخ الاسلام قناتز در تبریز شیخ الاسلام نمدار که از علمای مورد احترام مسلمانان اتحاد با میهن سروروی هسته بهرامی جوان تر برای زیارت قم و مشهد تبریز وارد شده اند و بزودی بهنران خواهند آمد.

شرقیانی و قدیم استوار نامه آقای کمال کوبی اول سفیر دولت ترکیه روز پنجشنبه گذشته در کاخ گلستان حضور اعلی حضرت همایون و شرفیاب شدند دیوان وزارت شریف در کبیسون بوده انوسب شد که در ۱۶ ذم بیون وزارت جنگ مرط پیش شریز وارد شده اند و بزودی بازگشت سفر کبیر آمریکا

آقای لایحه دروس سفیر کبیر آمریکا در ایران که دو مرتبه با اوقات خود در ایران در روابطه ایران و امریکایی و امری جدول داشته بودند با امریکا بساز گشت نمودند

آقای والس مری سفیر کبیر همیه امریکا در ایران از امریکا کفر کنه نموده اند

انتصاب وزارتخانه ها آقای ابوالفضل کوردی بست باز: برس شمه ۲ داسرمان تهران آقای عبدالله گایا بست کارمنده طالع الل دادگاه شهرستان تهران آقای فرج الله زند بست داد بازی داسرمانی تهران

آقای باقر ثانی بست باز در دفتر بازرسی و سازمان و کلاه آقای موسی منجهی بست مستناری دادگاه استان ۳۰۰ آقای مرتضی طاهری معاون دفتر وزارت بازرگانی و پیشه و هنر بریاست اداره بازرگانی و پیشه و هنر استان نیم

از مشترکین محترم تقاضا میشود از لحاظ کمک به نظم و ترتیب توزیع اگر روزنامه شان فرسید لطفاً حارا مطلع سازند زیرا هر هفته مرتباً روزنامه به آدرس کلیه مشترکین به دست داده میشود

جوناز شماره های اولیه نامه کوهستان تعداد قلیلی باقی است برای تکمیل دوره روزنامه هرچه زودتر شماره هائی را که کمر دارید اطلاع دهید تا ارسال گردد

ترجمه و نگارش: آقای منصور هاشموز

مشاره دزدان

فصل پنجم

یکدستی نیم و ششی

هراس بامدی غنچیناکی گفت: غیر من خود اینجا می مانم مادر من در نزد شما خواهد مرد

شمنم کولاند بامدائی اندر هیاز فریاد کرد: فرزندم، فرزندم، هرگز من هیچ چیز مارا ازهم جدا نخواهد کرد

این بار رئیس دزدان روز بهراس کرده گت: آری قبیده شما بهتر است، مادر شما خواهد مرد، و بسایه با آنچه در تو دیده دارم بگو شدت نامت آنجا را می گت که بر سر ما بن تعویله ده حتی اگر بیول هم اینجا انتاد این تا آخرین دینار ش را خرج کنه اگر در عرض ۳ روز بر سر ما بن تعویله ده...

آری بگو بندی سخن او را قطع کرده گت: هر روز تا اینجا کار غیر ممکن است، دمی مهلت بعهده تا بتواند در آنجا مشغول اقدام شود

صحیح است که روز بسیار کم است، سپس دو پشمان کولاند کرده گت: گوش کنه، من بشنا همت روز برای اینکه مهلت

میهمم اگر او در روز چهارشنبه آتیه بن میرسد شود وای بحال پسر شاه کارد بزرگی که پس از این تهدید از زیر جامه اش بیرون کشیده قلب هراس و هلاکت را بگشاید فرو ریخت، عالم کولاند پیش از نسی از حرفهای ماتو رانی تهدید اما صورت رنگ بریده پرسش موضوع را بر او روشن کرده بود جدائی هراس برای او از مرگ سست تر نگاهوار تر بود، اما چه باید کرد چاره جز تسلیم نیست پس ماتو دست عالم کولاند را گرفته او را بگریه درخشیده برد در جای خود نشاند و به دشمنی امر داد تا او را بصره هر چه تا مامت برسانتی برساند

در آخرین لحظات جدائی هراس پیش مادر اشک می ریخت و از او نشنا میگرد که فوت قلب را از دست ندهد و مینظور که ماتو گفته عمل کند

لحظه ای بیدر ووشائی لرزان فانوس های درشکه در پیچ و خم درشتان از نظر ناپدید گت

هراس تنها در میان راهزنان برای مانده قشش شدت میزد از طرف ترس از سرینتگ شومی که او را انتظار دارد و از طرف دیگر بشیانی و هلاکت از اینکه غت در نیمه مادر شده او را آزار میابد

صدای غنچینک و هولتات ماتو هراس را بکمر تبه منوجه نمود کد ام یکه از تنبیر هارا آورده اند

یکی از راهزنان زنجیری بکوده بر زمین انداخت و آری بگو فرمان رئیس خود آرا بیای هراس بست، این ششمی بود که مامور محافظت باسیانی و اسپر شهموده، دزدان پس از این کار بطرف اشیاء مسروته خود روی آوردند

مغیر کلاه بردار

اسفر میبویست:

چندی قبل یک نفر بنام اسکندر نهبان بستقدمه و خود را بنوبان مغیر و نهانیده، روزنامه سادات بشر مرئی بنود میالغ زیاد پول از مردم مخصوصاً ادارات دولتی بنام آ پوشان گرفت در این مسافرت، توجیه های هم از طرف لشکر آورده فرماتند نسبت میرانشاه نیز همراه او بود و بنوبان مغیره در اغلب امور دخالت های کرده، چند روزی هم بیانه رفت و در آنجا هم وجهی تحصیل نمود. این شخص قریب سه مادمات رفتن از خودی و از روزنامه ای که خود را مغیر و نهانیده این مرئی کرده بود اثری نیست و در مریکه ممکن باشد از این شخص اطلاعی بدست آورده برای استخباراتی درج فرماید.

♦♦♦♦

بلافاصله پس از وصول این نامه بواسطه تلفن از اداره روزنامه سادات بشر یکونگی اجور پرسش شد راجع باین شخص استظور جواب دادند

مدتی قبل بکنگر بنام نهبان بداره روزنامه سادات بشر مراجعه کرد این شخص ظاهر آرام و حق بجانبی بنود گرفته و اظهار داشت که شخص بیچاره و واجب الظهار است و برای امرای ملتان تناضاً بنود که ماموریتی باو داده شود که به سفتبانی مغیره کردستان برود روی نظر اینکه با وارداتی شده باشد روزنامه سادات بشر او بر کردستان اعزام داشت که بنام تبلیغ برای انتشار روزنامه خرج سفری هم دریافت دارد و از تاریخی که بطهران مراجعت کرده تاکنون هم بداره روزنامه سادات بشر مراجعه ننوده و وجهی را که از این مسافرت پندیک آورده بکنگ دریافتش را بداره روزنامه نداده است مدتی است روزنامه سادات بشر در دست اوست معلوم شده که این شخص بر ندهای هم دارد که تحت تعقیب میباند و فلا تفرقی است.

از قرار اطلاع دیگری هم که رسیده این شخص بحساب خود گزارش های هم تهیه نموده و خود را مامور مطبعی ستاد ارتش امی کرده و وجهی برای سرکشی کردن کرده باشم این هم مرابه نمود و اشاراتی کرده که در گزارش اسمی هم از آنجا برده شد با مصطلحی غوغاست از این برآید هم استفاده های بنشاید حال از این طریق هم بولی بنشاید آورده باشد یا غیر آنرا اطلاع بدست

بهر حال بایه اذعان نمود که این شخص دوران شناسی بر وفق شناس خوبی است زیرا بر مباحی با او که تا نهار از بام کردستانیان ندیده بود هدف را توب انتخاب کرده خوب هم موفق گشته است فلا هم او سواد است و اداره روزنامه سادات بشر از آنها که بده اطلاع ندیده

دزدانی

آقای مدبر مترجم روزنامه کوهستان کبیه اداره کل وانه امری ضمن اظهار تشکر شکایت این جانب مندرجه در شماره ۱۱ منظور از مدهانه آقای فرماندار در امر حوئی و حمایت از شهیت زاده است اقدام ازانه امری بدستور او بوده حسن اخلاق و وظایه شناسی فراموشی مشک ازانه امری در مدهانه کردستان مودتندیر است.

محمد سید سعید پور کوهستان - تا حال نامه های چندی رسیده و از رئیس زانه امری کردستان اظهار رضایت و تقدردانی نموده اند طبق تحقیقاتی هم که شده ایشان افسر فراموش شده و وظایه شناسی هسته از این جهت لازم میباشد توجه اداره کل وانه امری را به تقدردانی و تشویق این نوع افسران جلب مایم.

اخبار مستجد

۱- سبیه شکر وجای صفردستان جبارت از ۵۰۰ گرم شکر و مقدار سینی چای است از اینکه بن شکر زرد و سفید تفاوت بیه قابل نشده اند مردم را رضی هستند.

۲- سرورن باه از توفی از سر اعرامی مرکز به لشکر ۴ دوزدیگی ملایر در ۲۰۰۴۲۴۲۰۴ دواز حادثه اتوبیل بازرسی فوت نموده که با سه دیکر از سربازان نیز مرده باشند.

۳- دزدلیه ۲۴۹۲۲۲۲۲ قپوه ناه ای در چهار کیلومتری شرق - ننج از طرف ۹ نفر دزد مسلح شده قپوه هم مملوف الاثر است.

۴- دزدلیه ۲۴۹۲۲۲۲۲ گرنه سسا هشت کیلومتری مشرق سدهج بن صراط آباد و شهر بویه سفارین مسلح اشغال ۴۴ خراورهای بیلان کشت و الاغ های آنها را بر ست بردند.

۵- دزدلیه ۲۴۹۲۲۲۲۲ قپوه ناه جرج چهار کیلومتری شمال سدهج از طرف سفارین مسلح اشغال و مسدود نام هر زده که هم از این صده می بختلر رسیده.

۶- آقای صالحی با زورس با زورس اعزامی مشغول رسیدن می با زورس او مملوف و بعض است تاج اقدامی بسیل آورد.

۷- احصاء کرده و دروغ توسط آقای حاجی مسدود شدی بانه حتی عاملین و ارباعرج دروازه های شهر اهراء داشته و منابع از دسترس با تان مردم بگرم و دروغ کرده است.

از چندین پیش شکایاتی راجع بگرمی و دروغ در سدهج رسیده لازم میباشد توجه مقامات مسئول کردستان و امدان امر بگرم که با وجود اینکه کردستان محل توبیله و حضور روغن است چه چیز بایست شده که مردم بایه از سبت غریب و دروغ زده باشند و بیعتش های گراف مجبور باشند بایه در صده ۶

غزل کردی

از احد یگ

له خوهلن درنگه ملتی کرد خوشر تانه
میو تاریخی عالم شامعی فضل و هنر تانه
دستایشکون ای قومی نجیب و بیکیس و مظلوم
به گرمی می برن اوریکه دوری و البر تانه
بیتوین چونکه خویندن بو دفاهی تیش دؤم تان
میو آن وزمانی عینی قلغان و سیر تانه
به خورانی لستی برمن ام خاکه شیرینه
که نوزی وه جو امر سور می زوری صر تانه
بسر خاکا اگر نازیش بکن شفته کردینه
شاهای سبیری ام شاخ و کیوانه له سر تانه
ببی قفوی به سر بازار میورن حرمتی بگرفت
کولاله سوده کی ام دفته خونای جگر تانه
دمی که ام ولاته را اسیری پنجه جیله
له سایه هسلو او امر وایر توبه ظفر تانه
رانی حالی احد هرایی اور باین ای ملت
بزان بر دی ام شاخانه الباس و گهر تانه

این غزل و آقای غرقی اسفر ارسال داشته اند

از کرمانه

زاده امری در کوه

تقاضای رسیدگی

ریاست محترم زانه امری کل کشور و نوشت وزارت محترم بداد گشتری رو نوشت نامه محترم کوهستان رو نوشت نامه محترم ستاره رو نوشت نامه محترم ترقی با سوابق روشن و مستند که این بنده اکبر شایسته در کرمانه داشته و بگواهی آقایان با نواز گانار و اهالی ۲۲ سال است در بازار مشغول کسب و با کمال درستی زندگی نموده در ۲۳/۱۲/۱۷ از تهران مراجعت و در ۲۳/۱۲/۲۴ مدار پنجپارو می شال نزهت ساعت اعلیایان از آقای ستوان یکم حسن خسرو به خریداری و بوجه آن طبق مدارک موجوده پرداخت در ۲۴/۱۲/۲۴ آقای سرهنک آزادبگانه غرقهای آبناهی و از بنده گرفته و توقیف نمودند و بطرمایش خودشن ترهائی نامبرده و بنده غرقهای قران فرج نام شخص داد آگاه شده بنده و سایر کسب بیست زیرا بنسره های این سانه شده مورد بحث و در بازار آزاد افاض سر نامبرده بالا که نسبت به توقیف افرو او حمله انتقاری و فانی است و سریه آپا این اجناس آبناهی شده احصاری است باسرت چنانچه افسر نامبرده ساقون باشد گناه بنده بپهار نیست و چنانچه توده ملت افسر را شخص فرارنده و با عجز این بپهار ملت ندانند پس چه کسی این بدانه و از طرفی آقای سرهنک آزاد بگانه بیاوه قسره های نامبرده در صورت ۱۲ متقال ترقی های سدهج کرمانه متعلق بنوبل شخصی بنده و احم جزو این سر فرها توقیف نموده آیا بنظر نامت این قضیه (دوان بلغ نیست) پس تظلم و داد خواهی این سوه حاکم که بکنی از این مامت ساطع کرده دیده تماضی رسیدگی نوی و دارد که نسبت بوجوهات پرداختی بنده اقدام سریع موصول فرمایند و با این غرقهای ساخته شده را منرد نمایند

اکبر شایسته فرجی

حوادث مؤثر در بهداشت کودکان

مردش دانه کودک - تا سن

کماکان طفل نوزاد را نباید در چین گردش داد بعد از این نظر در دوران خوب و معتدل آقای کودک را در کاسه کوچکی گرانته گردانند بشروط آنکه از بد و سرما داخل کاسه که را خوب محافظت نموده و از گردش در جای تلخو سرد برجمیت خودداری نمایند. چنانچه واسطه کاسات بسا بیرون و مایل و محل گردش را بواسطه بادوگرد و خاک گردش دادن کودک امکان پذیر نباشد یعنی هر روز مدت نسیسات یا نسیسات خوابگاه طفل را از دانه بجزه قرار داده و سالم تا ب سرما خودرودگی او را در معرض آلودگی نماند.

اسباب بازی - در استعمال نریاب

بازی برای کودک باید دقت مخصوص نمود اشیاء پستی و سنگی توک دار و رنگارنگ و بدینش باید دانه هیزان کوزه ها و قطعات کوزه که ممکن است متوک در دهان او افتد و نگران فریب خوردن در مسرت او نگذارید اسباب بازی مناسب آنهایی که از ماده سلولویس یا از چوب سفید یا از کتان و چوب تیره شده باشند.

این نکته را هم باید دانست که هنگام خروج دندانها کودک مینویسد هرگونه شیئی را در دهان گذاشته و اسباب بازی یا اسباب آن شایش نشاید و رعایت استیک بدهد بنابراین نه تنها از دادن شیئی بازیچه ها که قابل اطمینان است بطایف خودداری نمود بلکه اسباب بازی را که کودک با آنها سرگردد در دهر روز با آتسو مایون شده و تیزرسانند تا با ککافات آلوده نشوند.

بایدانسه - بعضی از دانه ای بری

ماکت کودک خوب است تا آنکه در دهان او گذاشته و ویرا بحال خود بگرداند اما غافل از آنکه اولاد درازنگین طولانی فکین کودک در هیچ از شکل اولی و طبیعی خود خارج می شود. بنابراین باید از دادن شیئی که در دهان او میماند تا آنکه با تیزرسانند تا با ککافات آلوده نشوند.

بیماری امداران - بر سرش بیرون

بشناک چگونه چه شود از آرام بنامی باید تمت که بر پیشانی رسیده تسکین کودک همان همان بشناک میباشد زیرا بعد از یک یا دو روز اسرار و تخریب دیگر کرد آ آرام بخواهد و بر خلاف شعور ترک این عادت مروج هرچگونه عارضه نشود!

کوهستان

از سندنج

آقای مدیر محترم نامه کوهستان

در امرجات از مسافرت شاره های ناموفق کوهستان را که نام بده ارسال فرموده اند معامله نمود الحق ایات شیریه و نعمات چنانچه باقی به و احس کردنتن بسیار مطرب و بشهمه تیریه خود قدردانی نموده و درین حال تخریب حمله ای مدبر منجرها نسبت به بعضی از روسای سخریه با ما مویرین عالی دولت تفصیح فیصله ز برای طرفی کامل البته نظریات عالی را بهتر تأمین خواهد کرد - در شماره اول ز بر زبان (موس اسنل) کرده اید ازدهوی استنلال براد است (اندازلا) یادآور می شویم که مطابق قواعد حق بین الملل استعمال در نوع است - کامل و ناقص - واقع نباشد دولت محترم را کوهستان کوهستان است که استعمال آنها مضموم و در روابط خارجیه کامل نیست - در نوع اول از آنجا که اصلت کرد یکی از ارکان سیاسی تشکیل دولت ایران همیشه دران و امچان بازیها نموده اند البته هیچ فردی مایل به تخریب نخواهد بود لکن از جهت قسم دوم چسبر دارو که کردنتنات دارای استنلال می بوده و در مورد اولی تاحدی که وضیت اقتضاد از آزاد باشد -

البته این موضوع قابل بحث و ممکن است اشخاصی که دارای این عقیده هستند نظریات خود را پیش افکار عمومی بگذارند تا واقع یا خیر آن سنجیده شود - احد کانگر و کلی پایه ۴ دادگرنی

کوهستان از اینکجه در این نامه از انتشار نامه کوهستان اظهار مسرت و قدردانی شده است

۱- راجع به عبارت درودین حال تخریب و حمله آن مدیر محترم و نسبت به بعضی از روسای سخریه با ما مویرین عالی دولتی تفصیح فیصله اندازید! بطرفی عالی البته نظریات عالی را بهتر تأمین خواهد کرد - لا کیریم توضیح مختصری بدهیم - اولاً ما تا بحال تخریب و حمله ای نکرده ایم آنچه را حمله و تخریب نظیر رسیده در کوهستان کوچکی پیش نموده و با این تضرکات شراستیم اولیای دولت را بدارا کنیم و بسطه کردستان متوجهشان سازیم بدین است اگر تادمتی دیگر این تضرکات مسانه اثری نجهشید! آنکه است که حلالا خود خواهیم کرد و اطمینان داریم در مائیل حلات آنرا می متلوق های صحیح و دلایل منطقی وجود داشته باشد

ثانیاً بر فرض اینکه این تضرکات و حمله و تخریب بندهاریم هجارت و تفصیح مراحح بندهاریم قایل قبول نیست اگر صلاح است تفصیح اولیای فعلی ندارد و قسبه مراحح نمانده شود باید فوراً بدان اقدام نمود بدین معنی هائی که تا نگوییم ما گرفته در نتیجه همین بنایت و برداری و مسانه است اگر صلاح است اقدام کنیم چوت باید شروع کنیم و قسبه مردم از همین سافشنند و وزیر لکندنه تخریب مرفه مردم نمودند مردمی در کسی نمی مانند و سگریز بیارک سخی کفین و نوشتن نمود آیا آتوق تصلاح است کافانم نمود اگر کسی مریش باشد باید بگوید تفصیح است سراج علیمرت باید آتدمور کنگه کسرتف بوبت شده آتوق دست بیا رتند و بدهیم جان بدهد

باید در صفحه ۵

دکتر یونس پرهامی

تخصص: بیماریهای کودکان و درونی - معان
سابق: بیمارستانهای پاریس و ژنو - سه روزه ۱۳ تا ۷۵
بمذاظره پیرامی میسایره
نشانی: معذب، خیابان هدایت - سه راه میبلازلر
زرنگ، دوازده دولت

جابه های کودک - بطور کلی
پوشاک طفل باید طوری باشد که بر اثر سرما خوردگی هیچ وظ داشته و مانع آزادی حرکتش نشود - جنس پارچه آن کتان - پنبه یا پشم بوده و البته بافتنای سرد فصل تغییر پذیر خواهد بود - سینه لیس را نشانند بچه ها هر طبق عادت و رسوم کند - های مختلف تغییر میکنند ولی چند قاعده کلی هست که در آن بایستی همواره نظر دراشت باشد -

مثلاً در این بهم بستن نسیساتی جداگانه لیس از استعمال سنجاق و سوزن و حتی دکه خودداری نموده بهتر است که نسیساتی که در کارهای لیس تیره نباشند که در پشت بازوست شود - نسیساتی لیس گشاد بوده و دستها آزاد باشند تا هنگام شیر خوردن کودک بتواند دستها روی بستن مادر درده قرار دهد زیرا چنانچه بعضی هیئت های دست بایستند ما ترماتند ممکن آن موجب ازدیاد و غوران شیر میگردد -

شاهواره - کودک در آغوش مادر یا دایه نباید بخوابد - لازم است برایش گهواره از آهن یا از چوبی با از حصار درست نمایند گهواره آهنی بهتر است است زیرا استعمال آن زیان تراست و هم حشرات آن دست اندازی میکنند -

روی گهواره را با یک برده که در تارسان از پارچه نازک توری در زستان از پارچه گرم و خنیم درست شده باشد پوشانند - سایه های گهواره را در قرقره یا چرخ کوچکی باشند که انتقال آن از محلی به محل دیگر سهولت ممکن باشد - محل قرار دادن گهواره باید طوری باشد که روشنائی مستقیماً بروی کودک تابید بطور آهسته و آهسته و خوابگاه مادر را بپایوی بهاری یا نزدیک درب و پنجره بطور کلی در معرض جریان هوای پستی گذاشت در گهواره طفل طوری نخواهد که سرد و دوش وسیله اواز سطح بپایش اندکی بلندتر بوده و همانطور رنگه ما سافا گنیم بایستی مواظب بود که کودک همیشه یک وضع در روی یک پایوی یا بپشت بنویسد -

گردوگردستان

مردوخ میروف بوئی (اکزریاس) اصنامی خنده اران (ماد) را انطوریان میکتد - (۱) آزیاس - پی گیاده - (۲) آتی - اراس - (۳) هتی - یورث - (۴) ماندوسو - یعنی مادوشی که مرحوم پیر یاداران - این مقدمه (۵۰) مانوداکی نوشته است -

(۵) میلیک (۶) موزار موس - پیریا سوسار من استواس است - (۷) اسپاندارس - پیر استیواس نوشته (۸) آردکاسی (۹) آتیش - پیریا استیکاس نوشته است (۱۰) آزیاسی (۱۱) آرمی - با آرمیس - (۱۲) آردوز پیریا آردابوس نوشته (۱۳) یارووخ - (۱۴) آردینی - (۱۵) آردک - اینها مناجاز از پیشاه سال همین حال ملوک اشرفیایی سر بوده اند -

طوایف پارسها هم از مرار واریت (هرودت) از اینترار اند (۱) پاسارگادی (۲) ماری (۳) مادیانی (۴) بانالی (۵) دیروی (۶) دوزن (۷) ساگارتی (۸) ماردی (۹) درویک (۱۰) دازان طایفه اشوری و شیری بود نثن - چهار طایفه اخیر داریتین و کوبیری بوده اند (گرفساب) مذکور در شماره

پیش - آخرین پادشاه سلسله - پیدای پیر ویشنا پسر تپاساس - پسر منوچهر پسر ارج - پسر فردون - پسر آبتیان پسر جدت است - پس از فوت او پارس و ماد - چهار قرت شد هر دو گروهی سرو سرپرست مانده اند - چون از سلسله پیداشدی کیکک شایسته مقام سلطنت شده موجود بود (افراسیاب) هم که در توران زمین بوده - بیب خشونت طبع و بدشوی - روسای داریستان و کالیان برآمداری را راضی نبوده اند - لغتنام روسای نیاپاد - پارس و سومرامچ شده برای خانه دادن بدروه نشت و حفظ کشور ماد پارس - از حدایت تجاوزات

آورد (کیباد) کرد را که بعد و تن و نفات مرفوف بوده است - سلطنت برگزیده اند که در نتیجه این نهضت - سلطنت از سلسله پیداشدی پیلان (کیان) سپهت یات - و این سلسله را مورخین به نسبت تضار و گمانگی در پیدمان و پارس - طبق دوم - سلطین ایران نوشته اند - در موریکه از روی خت و غیر الامر سوزیک (کیان) سلطین ماد هستند (چنانکه بعد ذکر میشود) «پادشاهان ماد» پس از آنکه گرفساب پادشاه پیداشدی جهان جسانی

بانی از سلسله

ماد سدید دور حال و در وقت کسی خواست از سلسله درازی که پادشاهت را از دست داد بلکه باید باهت کرده دهانرا خورد اردو بنه - موزی را انطور سرچایش نشانیده آتوت دیگری که آمد خود اجازه نهماده داد کوچکترین تعقی بدون مانساید اما اگر مسامحه و عورادی کردیم آتوت است که باید کرده حاضر گر هر کسی باید سوار شود

ثقتا خصود از روسای سرحدی اگر معصود خان کانی سامانی است که بانگاه اظهارت آتانی فیس دولت و میبلی این شخص را بکنتر سرحد در قافانوس میباشند اگر مرامیشی برای اوفال بودیم نظر از روموسای بالاتر از اوتیشی می کردیم ماه تنها بر اثر اوستی فالای پیتیم باه او را خان مجامه کرد و مایه تنگ و آرزوری آکراد میادیم تریهیه زندگی این شخص - این نظر بگذردا باید جدا خود خوب ضاوت خواهد بود بکنند بالاتر هم مبروم ضاوت شخصیت معصود خان کانی سامانی را بنمود او را ندان میکتیم این شخص اگر مردی است دارای شخصیت برای اجتناب از هر لیلی دارد بنویسد سببش را اولیوس سلاو - اولیوس (دراود) چاپی میکتیم منوط بر اینکه بغض خودش باشد که بعد اگر جواب دادیم حاشا نکتند زیرا مادار کسی در دست داریم که این غفلت او را کمالا به ثبوت میرساند

امرار مع سامورین هالی دولت آتوت هم بتم فعلی دارد که اشافا بوقع خوانندگرا ستمند خواهیم داشت - و با این غیرتی کامل پیریان سا - بزایمن خوانده نمود - نظریات ابداع حاسه کرد و دفاع از جنون سلا - آغان است و تیکه مامه کرد ضاوت شده - این امانندگی کرد آرزو هالی مایر آورده شده و نظیر ماتانم گشته است آتایی طری با مایابان باشد که هر فردی که در کتد جواب ندیده هم راموس می مردم - از سمت پادشاه اشپهری کتیم و بدین ترتیب بگذردیم - هر بلانی که موهده بر سرمد فریاد و - و تکیوم مای طرفیم اگر عطرانی است پس اشانتا نامه کوسسان چه دره مچورد - ۳ - این سلسله استقلال بدیهی است - همانطور که آرا تکرار دادیم صلح نامه کوستان در این اظهار عقیده معلوم بود است و تا کمال خوشحالی هر یکی که در این موضوع برسد در ج توایمن بود

بصاح بر گزار میشود و گویا از منبع پارس - پارس - مراجمت - نده این پادشاه کرد - در کلیه طوایف ماد و پارس را مطیع او را خود ساخته برای جلوگیری از حملات آشور هم از ترش مطیع هر ک - سواره و پیاده تشکیل داده است و مانند حکمداران آشور دوار و گارد مخصوص ترتیب داده است - در نابل معنی استدارات خود و تروسمه داده پادشاهت خود هم که شورا کباتان پیشه همان کونی قرار داده است

رامح بنیای همدان مورخین اختلاف دارند بعضی میگویند که اصل دانی آن حقیق (شاموی) بلکه گفته است که یونانیان سر بر اینس میگویند و گویا آرا تمبر کرده است - بعضی دیگر میگویند که اساسا بنا کرده است حصه پایتخت کیزباد در آغاز سلطنت اسپهان بوده است بعد همان در آتباد کرده پایتخت را بنجا انتقال داده است این روایت اخیر چندان مقرون باقی نیست - بلکه قران آثار روایت اول را تا بد مع شویز - پیش از کیزباد بین این شهر موجود بوده است و پادشاهت آشور در قرن ۱۶ ق م - نام آرا برده اند - معلوم میشود که آتیا در سابق صلح جانی از گروه ماد داده است - و به سبب آجا را دهنده گداران اند - یعنی جماعت دهاجا چوهنگه که بعضی معتقد است - چنانچه سرهنگ و دنگه و رنگانه و دنگت و امتان آن داران تاسب است - بررور زمان همگدندان به همدان تحریف شده است فلما گنگه و اراکتین تحریف لهجه همانند است که دوم را دنگ نام کرده اند چنانکه در کتبه های همانست ننگسان نوشته شده که بررور آتیم تحریف شده آکیاتان شده است - احد رفیق هم در تاریخ دومی خود اول معشامران وماد لهجه همانست را رعایت کرده معجا (مادان) را دنگان نوشته است پس همدان تحریف لهجه آتوری است و آکیاتان تحریف لهجه همانست -

را بدرد گفت - (۹۰۲) پیش از میلاد بطوریکه در پیلان کتیم کشور ماد و پارس چهار قرت و هر چو مرج شده هر سرحدی و هر طوسی اواسی بها سمرده است حدلات متعاقب (سلاوازار) قوم پادشاه آشور هم بیشتر سبب وحشت و اضطراب روسای قبایل ماد و پارس شده معلوم نوشته است -

وسران و سرداران و وریش طیارا - روماد (مذکور) ماد کوچک بود روسای قبایل اواسی و گریل و دیلم و نوز درنگ سببی جمع شده پس استوارات طولانی و تابلان فکر بالاخره کیزباد اردک یونانیان (آراسی) یا (آرداکسی) میگویند -

رتوب زال بقدم سلطنت منتخب مینمود و در سال (۸۳۳) ق م - بر تخت مازدریالی جاسی سونه است در مجلس مذکور افراسیاب حضور بهم رسانده باینه بین مخالفت برادران - ذات - بجهت اینکه او بر حسب وراثت خود شورا مستحق مقام سلطنت دانسته است زیرا از نسل تور است -

و سلسله نسل تورانیان پیشه اذیان منتهی میشود بان ترتیب افراسیاب پسر پشنگه پسر زادشم پسر توروز بر فردین پسر آتیش پسر سرتیبه پشادنی باینجهت لغو است سلطنت ماد تسلیم خود

اما چون بدنی وی سیاست بدو و دایستگر تمام سلطنت را نداشته - خود تور آتیاید او هم از طرف ماد با ضحک تازی انتساب داشته است - باینجهت هم طوایف مادستان - و زامستان و کالیان و اورا صالح ندانست همه بکیتباید پست کرده اند که در نتیجه این اختلاف جنگ توران با ایران شروع میشد - معصود از ایران فراریجا (مادستان و زامستان و کالیان) است و این جنگ اولین جنگی است که و شوم و پشته آوازه میبازد - تا بخیر زمان ما (مقدمه ۱۶) بعضی از مورخین شرحه جاسوس کیزباد را از اشپها در سال ۷۶۰ ق م - نوشته اند کیبادینس از جاسوس برت - لغت نام اول برصاح افراسیاب رفته و شتم سردار داریستان و مهربان سردار کالیان را با زلفان بود کتواد دوسر در مادستان ماد بربک و ماد کوچک پیش جنگ قرار داده است بالاخره پس از یک سال مساف جنگ فطیبه

اخبار سنج

بیادارصه ۳

تپه کشته فرماهداری و شهرداری منصورآباد را از آن هستند که باید دوباره اردت کنند تا مردم تن شیعا اقدام فلا از اظهار نظر خودداری نمایند.

۸- تن شهرگران است در صورتیکه گم بهای نالی نرید و فروخته میشود.

اخبار ستر

۱- شب پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت به مناسبت بنیان چکشش اروپا جشنی در پشه‌داری برپا و هدمو امین و اشرف و عمار کلیایی و سایرین آن شرکت داشتند آقای دهشور و کبیل دادگستری در پرامون تاج سندی این موقیت سفرانی جالب توجه نمودند.

۲- در اوایل اردیبهشت ماه همه روز باوران مفیدی بازدید است.

۳- بهای کلبه اجناس تخفیف کمی حاصل نموده در همین هر یکس بیست روپال تریل نمودند.

۴- منجا و زنجبار آماده است تا تعالیات اینین شهر در خانه افتاد و سحرانین اکثریت مسرتی شده اند ولی هنوز بلاغ آنها نرسیده چون اغلب اجناسی را که اجناس باید انجام دهد از این جهت تأخیر در معرفی آنان مردم را نگران نموده است.

از بوکان

آقای حسن خزلی اطلاع میبدهد آقای سروان شاملو فرامانده گردان وادارمری بمبادکه برای سرکشی دسته وادارمری و گانگفته بود بمبلغ چهارهزار روپال بدستان شاهپور اجاعاده نمودند که برای نوآوران بی ضمانت لایس و تدریسات

از سلوژ

آقای محمد قادری از طرف همدو اکراد سلوژ تلک انی معاره نموده میزنند: اکراد وطن پرست ایران همدو را بافته حق گوئی های آن نامه گرامی هستند به بهای جان بی اگر باشد از دیواعت آن هدیه گران بهادریغ خازیم در همه حال نامه شریفه کوهستان را کشف اسرار حقیقتی خواهیم نمود مطالب تلک را بی سر ته آن یابان نباتات بیجاری و سایرین به تنها نتیجه میدی برای آنان به بشید بلکه بالمکس وادار کتبه گان خود را بهتر بخواهند گان معرفی کرده بیچاره اهالی بیچار و سزگ هنوز گرفتار بنیبه همه بازان هستند.

کرد و لر بر اردن نامه
کوهستان همانطوریکه
از حقوق اکراد دفاع
مینماید مطالب مربوط
به لرستان را نیز درج
خواهد نمود

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر اسمعیل اردلان

بهای اشرافه سالانه ۳۰۰ روپال
لکشمه ۴ روپال

ملاقات وارده مشرد نمیشود و اداره روزنامه در دوح با حاکم و اصلاح آنها آزاد است
محل اداره: خیابان بهلولی کفلی شماره ۱۵۲۴
تلفن شماره ۸۵۳۹

ساعات مراجعه هر روز صبح باستانی ایام تعطیل از ساعت ۹ تا ۱۲ میباشد

آگهی حصر و روات

تاریخ ۱۳۲۴٫۲٫۲۴ بانو طاعت (حریری) شناسنامه شماره ۱۹۷۵۹ باستاند بکیرک گواهینامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۳۳۸۱۱۳۴ داده بابت مرحوم شاهر علی ملک حجه دارنده شناسنامه شماره ۱۹۷۵۷ در تاریخ ۱۳۲۴٫۲٫۲۶ در تهران جایگاه هینگی خود وفات یافته و متقاضی و بانو نسر شناسنامه شماره ۱۹۷۵۸ و هدیه شناسنامه شماره ۱۹۷۶۰ رونویسی (حریری) شناسنامه شماره ۱۹۷۶۱ در تاریخ ۱۳۲۴٫۲٫۲۶ در تهران جایگاه هینگی خود وفات و حین القوت ورثه متوفی منسبر به ۴ نفر خواهران بنام طاعت متقاضی و بانو نسر و هدیه غیر از سه نفر نامبرد مورثه دیگری ندارد و پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه فوت متوفی ای میباید در روزنامه و وسی مستشور شاهنشاهی روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و بودن معرفی بر حسب تقاضا اقدام خواهد نمود نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت سه روز ابراز و الا هر صینامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۱

رئیس کل دادگاه های بخش تهران - امای امری

آگهی حصر و روات

تاریخ ۱۳۲۴٫۲٫۲۴ آقای احمد توری بوکالت از طرف آقای ابلمت ل. بیانی. طین تقاضا شماره ۱۹۷۶۷ مورخ ۱۳۳۸٫۲٫۲۶ باستاند بکیرک گواهینامه و رونوشت شناسنامه تقاضای گواهی حصر و روات را نموده در توضیح که مرحوم خاص علی فرزند خاص آقا در تاریخ ۱۳۱۷٫۷٫۲۴ در قریه اشتیارد در جایگاه هینگی خود فوتی بحال القوت ورت: متوفی منسبر به دو نفر عیال دانی نام بانو گوهر و بانو زور و یک نفر مشیره زاده بانم دادود غیر از این سه ورثه دیگری ندارد جدا در تاریخ ۱۳۱۷٫۹٫۲۴ در قریه اشتیارد جایگاه هینگی خود فوت و حین القوت ورثه متوفی منسبرش هر پسر صو بنام آقا بان ابلمت (سلیمانی) و بان محمد سلیمانی و لطفعلی سلیمانی و بان فاطمه (سلیمانی) و بان فاطمه سلیمانی و بان فخره دختر صو بان آوران سعید (عجمی) و بان سلیمانی و یک عیال دانی بنام بانوسکینه غیر از این ۹ نفر ورثه دیگری ندارد لذا مراتب سه فوت متوفی ای میباید در روزنامه رسمی روزنامه کوهستان اطلاع میرسد که هر کسی نسبت بتقاضی در روز اداری دارد در مدت سه ماه در تقدیم والا پس از انقضای مهله گواهیته صادر خواهد شد و در صورتیکه کسبیت نامه از متوفی بردگی موجود و تا این تاریخ غیر رسا ابراز و اطلاع نشده در همان مدت بهاد که تسلیم نماید و بعد از گذشت مدت سه روز هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲

رئیس دادگاههای بخش تهران - امای امری

آگهی حصر و روات

تاریخ ۱۳۲۴٫۲٫۲۴ بانو زهرا ملک خاص شناسنامه شماره ۲۴۰۶۴ باستاند بکیرک گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۱۳۳۸۱۱۳۴ داده بابت مرحوم شاهر علی ملک حجه دارنده شناسنامه شماره ۱۹۷۱۸ در تاریخ ۱۳۲۴٫۲٫۲۶ در تهران جایگاه هینگی خود وفات یافته و متقاضی زوج و بانو فاطمه شناسنامه شماره ۸۳۰۰۵ هزرا و شناسنامه شماره ۱۵۴۲ دشتران متوفی و ورثه منسبرش میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه فوت متوفی ای میباید در روزنامه رسمی کشور شناسنامه و روزنامه کوهستان آگهی میشود با گذشت مدت سه ماه از تاریخ نشر اولی آگهی و بودن معرفی بر حسب تقاضا اقدام خواهد نمود نیز اگر کسی وصیت نامه از متوفی دارد در ظرف مدت سه روز ابراز و الا هر وصیت نامه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

۳-۲

رئیس کل دادگاههای بخش تهران - امای امری

نامه ها و نگرانات وارده

از کرمانشاه
آقای مهندس مرآت می نویسنه:
وقتت جنابانی وکا کزان آن نامور داد
انام طراقت سکتین که عید دارم به
لذات و نمل خوسته امیدات با آن
روح راکی که برنده سرخ را دم جوانان
و قطره اشرا سن و لاطوریکه شایسته
است انام داد و در هدایت جامعه خصوصا
جامه کرد موفق گردید.

روزنامه کوهستان بحضور محترم تقدیم
میدارم .
از سنجند
آقای محمد سعید بریانی اطلاع
میدهند که موفق شده اند کتابخانه ای بنام
< کتابخانه ملی > تأسیس نمایند اقدام بنام
امور عالی بنده شایان تقدیر است امیدواریم
با بهیئت و خوشنظران تمام نواحی و مناطق
گردنشین ازیر تو برداشتی روشن و آباد
گردد .

این پیشنهاد بنظر ما سیار منطقی و
قابل توجه است از خوانندگان محترم
تقاضا میشود اگر مطالبی در این زمینه یا
پیشنهاد عالی مربوط با این قسمت دارند
با اطلاع دهند در صورت انقضا انجام
خواهد شد .
از بوم
آقای عزیز عباس می نویسنه : از
انتشار نامه کوهستان بسیار مسرور و موفقیت
آن خود محترم را و اثر و طبع جریده
شریبه کوهستان نهایت تیسریک عرض
میتانم .

با اطلاع میدهند که
عده ای از دوستان روشن
مگر سنجند خود را بداند
نظر گرفتن اوضاع عمومی
برنامه های اصلاحی مفیدی
تهیه نموده برای درج و
اندام بااداره نامه کوهستان
بفرستند .
این نظر اصلاح طلبانه
را تقدیس میکنند و امیدواریم
در سایه صمیمیت و بی غرضی
و همکاری با پشتیبانی عموم
موفق با اصلاحات اساسی در
کردستان گردیم

آقای مهندس از طرف جمعی از زمین
پرستان کردشکر امی خاربره کرده می نویسنه:
آقای عدلی ما مورد تمسوی وزارت فرهنگ
دویرستان هدایت است با این نموده و چنان
بیان ایشان در روح دانش آموزان و
حارک هنگی از آن شیر بودند مؤثر
الذکر کف در نهایی بی دوی شونراگان
فلسفی و هدایه آن سن شطیبه لاطل را
بکرات تبیح میکرد .

از تهران
آقای امیراجال کبود ونه می نویسنه
نامه شریبه کوهستان که با کمال و شرف و
حسن نیت طبع و منتشر شده باست نهایت
بیرت و خوشوقتی است امیدواریم بیوسته
بتقدم این خدمت مناسی اجتنابی موفق
بوده و مقالات مفید و سودمندی که در آن
جریده شریبه درج میگردد مورد استفاده
و روشنی فکر مردم خاصه هم ولایت های
محترم قرار گیرد .

از سنجند
آقای مظهر اقبال تو تلگرافی مباربره
نموده می نویسنه: از همت عالی در تاسیس
آن نامه امیدواری فراهم سعادت عرض
تیریک و ابعود دیدیم .

از مشترکینی که تا
بحال وجوده آپونان را
پیدا نکرده اند تا بخا میشود هر چه
زود تر آنرا ارسال دارند
مشترکین شهرستانها
میتوانند وجوه اشتراک را
توسط نمایندگان ما ارسال
داشته و با هزینه بفرستند

در بیان سخا به جناب آقای شمس
ملکه آراء فرمادار کوهستان وزارت
فرهنگ و دانشن چنین شخصیت های
برهیزت کف و حسن انتخاب را با بیانی
چلیزنده ستودند .
در سخا به شرف آن آقا حضرتی تقاضا
نموده اند که وزارت فرهنگ موافقت نماید
محتداتوف آقا عدلی اطلاع نامه تهیه
بنا تمام بد پیشتر از سه ترانی های سودمند
ایستل استناد نمایند .

از کرمانشاه
آقای محمد سعید هاندی ضمن اظهار مسرت
از انتشار نامه کوهستان پیشنهاد نموده
اند تا با دقتی روزنامه راه افسانه ها وس
گشت های قدیم و تازه نامه داران کسرد
انتزاس دفعیم .

از کرمانشاه
آقای قادر فدایی از انتشار نامه
کوهستان اظهار مسرت نموده است .
از قروه
آقای حشمتی مینویسد انتشار نامه
کوهستان خوشوقتی و شرف زا به اولی
در مردم این سامان تولید کرده عموما
امیدوار شده اند .

اشعار و آثار ادبی
کردی را که میفرستید
حتی المقدور خوانا
باشد که بدون غلط
چاپ شود

از هفتان آب
آقای عزیز عباس تگرافی مباربره
نموده میگوید: تیریک سادگان خود را
در این موفقیت شایان تقدیر طبع و نشر

آقای مهندس مرآت می نویسنه:
وقتت جنابانی وکا کزان آن نامور داد
انام طراقت سکتین که عید دارم به
لذات و نمل خوسته امیدات با آن
روح راکی که برنده سرخ را دم جوانان
و قطره اشرا سن و لاطوریکه شایسته
است انام داد و در هدایت جامعه خصوصا
جامه کرد موفق گردید.

این پیشنهاد بنظر ما سیار منطقی و
قابل توجه است از خوانندگان محترم
تقاضا میشود اگر مطالبی در این زمینه یا
پیشنهاد عالی مربوط با این قسمت دارند
با اطلاع دهند در صورت انقضا انجام
خواهد شد .
از بوم
آقای عزیز عباس می نویسنه : از
انتشار نامه کوهستان بسیار مسرور و موفقیت
آن خود محترم را و اثر و طبع جریده
شریبه کوهستان نهایت تیسریک عرض
میتانم .

با اطلاع میدهند که
عده ای از دوستان روشن
مگر سنجند خود را بداند
نظر گرفتن اوضاع عمومی
برنامه های اصلاحی مفیدی
تهیه نموده برای درج و
اندام بااداره نامه کوهستان
بفرستند .
این نظر اصلاح طلبانه
را تقدیس میکنند و امیدواریم
در سایه صمیمیت و بی غرضی
و همکاری با پشتیبانی عموم
موفق با اصلاحات اساسی در
کردستان گردیم

کیسه های پر از جواهرات خام کولاند و سایر اشیاء میان راه .
- در تمام شده خشو غلبه هراس در این وقت بی اندازه بود اگر جواهرات
قیس مادر خود را میدید که بازچه دست دزدان شده کافه ها و هکس
های خواننده اورا انگمدال و باره مباره میکند . در همین موقع دیو یکی
از دزدان عکس میدرس و اگر گفته آنرا آتش زده و با آن میکشازد و روشن
نموده از شمشاد این منظره فریاد غضبناکی بر کشید اما فریادش جالی
نرسید و کسی گوش نداد
عاشق ازینکو را بکناری کشیده شروع بدیعت نمود . نیت کوتاه
آنان دزدان دیگر اجازه داد که بجوان محسوس برداخته اورا اسباب
تربیع و سرگرمی خویش قرار دهند . مردی که عکس پدر هراس و آتش
زده بود چند تیرکه پارچه و لباس از کف بسته بیرون کشیده گفت: این همه
تکه پارچه ها چه درد میبورد؟
یکی از رفقایش با جواب داد:
- «بوی تو میبوی با این لباس های زناه در کار ناوال آینه به
شکل بگردد بپزی کن . اما بیو بطرف هراس برکنه در حالیکه لباس
اورا نشان میداد گفت:
این لباسها بیست بیست میاید . بیس با وجود مقاومت هراس کوشش او
از تن دور شد اما ازینکو در همان لحظه سرسید و کت و از او دست کش
گرفته و با هدای فضایی گفت: کوش کن این اسیر بین سیرده شده و
هیچکس حق ندارد باو دست بزند .
بیو بعد از تسخیر آمیزی جواب داد: فقط هفت روز بعد از آن
من بپزینم های اورا خواهم گرفت زیرا برای من بسیار مناسب است

- آقا سخاات لبیکتی که اینگونه حرف میزنی!!
- توهم میوهایی مانند برداشت بشوی ایک دیوانه دو بیکه
دریکه قابل گم است که توهم میوهایی بان اضافه شوی آن تریکو مانند
اینده اصلاح فرهای بیوزرا تنفید است بطرف هراس برکنه بدست باو
نمسانید که دبانش راه یافته . هراس فوراً از جای برخاسته عقب او رو آهسته
هراس از این عمل خیلی خوشحال گشت زیرا دیگر بیکه قریبه میبوانست
مورد تسخیر دزدان قرار گیرد .
هراس بزحمت میبوانست راه برود زیرا بیره های پایش او را آزار
میداد و او در هر قدم مجبور بود خم شده آرا با دست بکشد تا مانع راه
رفتن شود .
آن تریکو در جنگلی عمیق فرو رفت . ازینکی محض در این جنگل
مرعوز حکم فرموده
گامگشایی اشه لرزان ماه از غزال شاخ و برگ درختان کهنسال
جنگل میکشند و صورت رنگ بریده محسوس جوان را روشن میکسرد
سپس دوباره دو زیرا برهای ضخیم پنهان میکشد و جنگل را تاریک
میکشد .
هر اظه ای که روزه تابانی از میان برگیهای دوختان ظاهر
میشد و راه اندازی روشن بنمود . نوب محسوس جوان توفی میگردد
امیدی دودل احساسی میکسرد .
بیچاره خیال میکسرد روشنائی نابایدار ماه واره باوریک میان
دردنشان وسایل قرار را برای او مهیا میسازد .

شکایت به وزارت جنگ

ریاست اداره مهنسی، کپیه وزارت جنگ کپیه روزنامه شریفه سکوهدان با آنکسه برداشت طلب اینجناب و با امرامله نبره ۱۳۲۲۲۶۱۳۲۶۶ اداره مهنسی آمادگاه مهنسی لشکر دستور داد، تا اکنون بدیافت طلب خود موق نشده ام تا آنکه چندین بار تلگرافاً شکایت کردم جواب نداده اند همه روزها امروز فردا میکنند بری وصول طلب خود بکجا شکایت کنم؟
ادوست طبکاران بهاره شهام. دولت جرا ظلم درباری
بجشلی شاه ویسی
بجواره روا میدارد؟

موضوع

استقلال کردستان

از کجا سرچشمه شیبه گرد؟

بایه از منله ۱

اگرچه دور برنامه «جهیت کردستان استقلال» قیام شیخ سید درومغ مدتی پیش یعنی شنبه بود ولی این پیش آمد او را ناجار کرد قبل از موعظ هرگز باینکار اقدام کند، روی همین امر هم بود که موقوف نصیحت گفتند. جنگهای خونین در گرفت شیخ سید وعده ای دیگر از اکراد تشکیل شده.
این عده از طرف دولت در دیار بکر وعده ای که در جنگیت انبیا بدستگیر شده بودند در پیس اعلام شده.
پس از آن دولت روسای مشاور کرد و متفقین کرد شهنشین و با سلطان فرعی استمطلوب تیرید نمود.
این اقدامات افسران اکراد را برکنگفته تر نموده کنگره بزرگ کرد موموم به (نوی بون) را در قسمت جنوب مرحد ترسکیه بوجود آورد.
دوستی بولغایبت های خود را بلافاصله شروع نموده، کیس فوق العاده ظلمی خود را در مین و مریکات نوای امین در آرزوی شروع کردید.

بدین ترتیب جنگهای منظمین کرد در زیر پرچم سرانکه «کردستان آزاد» که از طرف کنگره اقتضاب شده بود در آرزو داشتی همانجایی که ابراهیم آقا معروف به بیرونی حسکی لقبی جلالی با دولت ترکیه در زدوشورد بود آغاز کردید. این جنگها کادامه ایس در تمام خاک کردستان ترکیه توسعه یافته بود سبچار سال ادامه یافت.

پس از پایان یافتن جنبه ای آواران، که از جنگ های تاریخی اکراد برای آزادی و صرف درجه شجاعت و شیمات آن است بدینمعنی خونین دیگر در دهم شروع شد این جنگه هم اگرچه مدتی طول کشید ولی با مقدم رفتن اکراد پایان یافت. دولت ترکیه بر منطقی کردنش خود کومرمانش اکراد اس عده ای بنا بر آن از کشور ترکیه تریقه شمادی بجای طرفه در قاطب معتضله ترکیه اقامت فرمودند.

اگراد حسنی ترکیه در تمام سنوات اخیر که دولت ترکیه اقتدار کامل داشته ده سال احسانامالی خود بر داشته در گوشت و کذا اکراد را در مرفی بر پروا زیده و مترمرد بودند فرستی بدست آورده به آرزوهای دیرین خود نایل گردید.
اکنون که جنگ او را پایان یافته و کنکراس های تشکیل میشود وامل برور منق میوهانده شوق ملتشی است کوشک و حافظ کسند از موعظ استفاده نموده طبق اطلاعاتی که اخیراً در امرایر مرکز هم منتشر شده مشاهده میبایس مسافران سکو دادند شاید چنین نتدیم دامنه اندک اتمات سیاسی آنها واپوش از خونریزی بهاد دیرین خود خواهد رسانند.

۵۰۲

چرا شرافت اصنام خود را از دست میدهند؟

اینده که مطالب آن اسام خود جنگلی صحیح و مطابق با بیان واقع است !!
پس چرا هبتنگه شمس تماشا کنتمه با آن دست خورد کنتمه از شما دورده بر می آید بی اوازه تر از خود میکوبیم چنگار کس از زرر ناچاری و الامرا و باینکار کما از آخر چرا با بدعنوان را مجبور بداند شامیرا از فلان مرهک با فلان سروان دفاع کرده ارزش آنها با خدمتشان را بر خ دولت میکشید چرا بکنتمه از شما آبرو از غوب و دست دیگر مد مبرغی می کشید چرا ششمیسات و اشارت های شما با هم فرق دارده هر چه هم منکی بدلیل و منقل نیست منظور از این دردستی و دم تجانس فکری چیست مگر شامرد آتوئی که تیرو بیاه رفت دستم تیرید مگر تمام ماجرا را از اول تساکتون پیش نموده بیعنوانم و شهن در انتاشته اید و از طرز اعمال آنها بی که در اس کارها بوده اند و با همتداطلاع بداید در این ورت شرانق الملوا، نیسته برای بکن کردن شهرت تاریخی خود دست و پا میکنید چرا دولت را در تنصیص سبک گنار خود مشکوک میسازید چرا با ابراز اینکه نه عاید مضاد و اضادی این تلگرافات بیورد که چه کدام زردهای اجناسی ما را در اولت بکنتمه ط بنائیلت یک دست استنساخ نامالغ و وعده شاید جیره خود را تیرم میسوزاد و ش اجناسی خود را درین بایشی هتنگلی ما کاین تا رنایک و رودچان کش بشامیرگونیه که از عاید خود و باطلشان پیروی کنید و شمارا تهدید میکند که به عقاید سفید شان را اسام تیرید ایند اسادگی برزلی بخرج نداده لکسه عاید آنها را بیزان ظل خود بسپید ملت اندامی را که بنوعی و هانداهمال نماینده یقین سکنید از تهدیدات آنها نهرانیست اراده شان پیروی نکنید صراحتاً مخالفت خود را بدست به پیشنهادشان ابراز نماید زیر ما موعظیم سکه ورش محیی در زنه بی فری خود تا دنا کنیم ما بیاید طرفدار حق باشیم و طرفداران داشته باشیم که با طرفداری از حیثت رضایت خدا و وجدان را بخل آورده ایم، ایست منشی استقلال اراده اسام بلس.

هتوریه ای مترمز بدنام هتنگلی که حاضر نامالغ تنگراتانی تیرم کردیم برای اسام بدست شما میفهمد شما ماک بیچاره که بکمردست بکنریان بدین بوده زده تیرم ضمن مصابو شت گواگون تحریبات گرانه بی بدست آورده اید چرا بدون آیتشه و تفکرو هتوزان که گنترین توجیهی موضوع تلگرافات بکنتمه صحت مطالب شوم آنها را که موجب ترالول بیان مندرجات شما است با امضای خود تصدیق کرده و بدست آنان میسازید چرا شاموز بی تیرنو این افراد براتی حق میات بری خود قاتل نیستید و کور کوراه از هانداسیف بدکنان که قاطب بنظر و حفظ منظم شخصی است بیروی میسازید آیا خیالی نمی کشید که شما بیاعتمادان این تلگرافات بی بیرویا که بلافاصله از طرف دست دیگری تکلیب نموده اسامی است و که کس میکان این دولت تساکتون نیست بکنتمه شما افته بافته از بیع میرید و بیاعت میوشید که از این بدین تلگرافات دیگر شما که شاید اغلب آنها از روی حیثت باشد کوچک ترین اهیتی عداوه سهل است گفتار کسان راهم که بیس هتوزی از خلق شما دفاع میکنند بدون آدرش و مرلود اغراس شخصی ترقی نمیدانند آیا نیوشاید باور کنید که ملت امیل مسترد در آنچه هتوزی بی حس و بی ارادگی اشکال شما از هتوزاد بودن باشا نگذاشته حانتر نیست شاموز از بیع خود بدانه آدری مات کرد که دل از زنه تاریخی دارای اردق قوی بوده است از انگی بی بیع هتوزان برافشان (گرد) خود را نانویره برشا اطلاق میشود روحاً منطب بوده و حس قرت باطمینان نسبت با بیارادگی شما در خود مباحث می کند بیع ما جرای جوی بی وجدان که خود آلت دست دیگران نیست شما را وسیله اجرای ما می دیند و بیع خود ساخته برای اکراد نه جرخ زده کیشان شما ملت نجیب را سعه کسان نامظ سادگی و تا از عهده ای میسوزاد است اغفال و سرگردم نموده شمارا (بدواش با پیشه بی) مجبور می کند که آن تلگرافات خود با خون اهنای زهر آگیران اضافه بدست آنها بسازید آیا شما از بی اطلاع هتنگه هتوز بیع و انسی (شراف اصنام) بی تیرید اید یا وای بیرویا که تیرتری آنها بداند شما وسیله آن اسام به حیثت و امرس و شرافت خانوادگی خود قسم دار کرده